

اولویت ها در روابط ایران و روسیه کدامند؟

سید محمد مهدی قادری

موضوع سفر رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران به روسیه و دیدار او با رئیس جمهور و سایر مقامات عالی رتبه آن کشور در روزهای اخیر به یکی از مسائل مهم جهان سیاست تبدیل شده. اگرچه بخش مهمی از این دیدار در سطوح فرمانطقه‌ای و بین‌المللی و در چهارچوب دیپلماسی قابل بررسی است اما به نظر می‌رسد نکته مهم این دیدار نزدیکی بیش از پیش موضوع دو کشور و افزایش همکاری‌های دوجانبه در ماه‌های اخیر بوده که تداوم آن برای طرفین از اهمیت قابل توجهی برخوردار شده است.

این امر البته پس از پذیرش عضویت کامل ایران به عنوان یکی از اعضای سازمان همکاری شانگهای در ۲۶ شهریورماه سال جاری یعنی چیزی کمتر از دو ماه پس از سرکار آمدن دولت جدید در ایران آغاز شد. ذکر این نکته ضروری است که ایران از سال ۲۰۰۵ به عنوان عضو ناظر در این سازمان حضور داشت اما در نهایت این در اجلاس سران ۲۰۲۱ بود که درخواست عضویت ایران مورد پذیرش همه اعضا قرار گرفت. عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای که در آن قدرت‌هایی همچون روسیه، چین و هند حضور دارند، همسایگانی مثل پاکستان و ترکمنستان به ایفای نقش می‌پردازند و کشورهایی با حوزه زبانی، تمدنی مشترک همچون تاجیکستان فعالانه در آن مشارکت دارند، تنها بعد نمادین ندارد و استفاده از ظرفیت‌های این سازمان در همکاری‌های فرهنگی، اقتصادی و امنیتی تعریف شده در کنار آنچه که به ابتکار ایران در آن شکل خواهد گرفت برای ما حائز اهمیت است. بخشی از این فضای ابتکاری را می‌توان در سخنرانی رئیس جمهور در نشست سران امسال این سازمان دید: «سازمان همکاری شانگهای به طراحی ساختارها و مکانیسم‌های مقابله جمعی با تحریم نیاز دارد. تحریم‌های یکجانبه تنها علیه یک کشور نیست بلکه همان گونه که در سال‌های اخیر روشن شده تعداد بیشتری از کشورهای مستقل بویژه اعضای سازمان را در بر می‌گیرد.»

در حقیقت در یک دید تاریخی اگرچه ایران همواره بر اصل ثابت نه شرقی - نه غربی به عنوان پایه اساسی سیاست خارجی خود نگاه کرده است و بر این مبنا وابستگی به هیچ بلوک قدرتی را پذیرا نبوده اما به صورت سنتی با وجود آشکار بودن تخاصم کشورهای غربی با کشور ما در دهه‌های اخیر اکثر مراودات سیاسی و حتی اقتصادی ایران با غرب پیوند خورده بود. این روابط در طول چهاردهه اخیر فراز و نشیب‌های زیادی به خود دیده اما با روی کار آمدن دولت‌های یازدهم و دوازدهم در ایران و انعقاد برجام و اجرای آن، این نگاه خوشبینانه تشدید شده بود. با خروج یکجانبه امریکایی‌ها از برجام، سکوت و البته

پس از آن مواضع تهدیدآمیز اروپایی‌ها بر ادامه تعهدات طرف ایرانی در برجام آن هم به صورت یکطرفه، نه تنها مواضع دولت مستقر در این مورد تضعیف شد که نوعی نگاه همگانی بر افکار عمومی کشور حاکم شد که باید در پی چاره‌ای دیگر در مناسبات سیاسی بود و با استفاده از ظرفیت‌های چندجانبه‌گرایی اقتصادی و تقویت سیاست همسایگی برای خنثی سازی تحریم‌ها گام برداشت. این عدم اطمینان به طرف‌های غربی البته منحصر به روزهای خروج از برجام نبود و پس از انعقاد برنامه جامع اقدام مشترک در سال ۱۳۹۴ با مشخص شدن بی ثمر بودن اتکا ولو به بندهای اقتصادی آن، رهبر معظم انقلاب در بیانات خود در سال ۱۳۹۶ یعنی دو سال پیش از خروج رسمی ایالات متحده از برجام گفته بودند که در سیاست خارجی، ترجیح شرق بر غرب، ترجیح همسایه بر دور، ترجیح ملت‌ها و کشورهای که با ما وجه مشترکی دارند بر دیگران، یکی از اولویت‌های کشور خواهد بود. امری که پس از خروج یکجانبه دولت امریکا از برنامه جامع اقدام مشترک، بر ممکن نبودن اتکا به غرب حتی نزد طیف‌های غرب‌گرای ایرانی نیز صحنه گذارد و بر همین مبنا در کارزار انتخاباتی ۱۴۰۰ فردی رای آورد که می‌گفت «تعامل با همه کشورهای جهان بویژه با همسایگان برنامه سیاست خارجی دولت من خواهد بود.» در چنین رویکردی، با توجه به آنکه امریکا کشور قابل اعتمادی نیست و توان عبور از مواضع خصمانه پیشین و روی آوردن به مواضع مشارکت‌جویانه را ندارد و اروپا نیز توان



دیگر مسأله‌ای که در چهارچوب سفر آیت الله رئیسی به مسکو از اهمیت خاصی برخوردار است بحث بحران قره‌باغ و درگیری‌های میان دو همسایه ایران یعنی جمهوری آذربایجان و ارمنستان است که وسعت آن اختلافات دامنگیر ایران و روسیه هم شده. از آنجا که از هرگونه بی‌ثباتی در این بخش بیشترین صدمات را کشورهای منطقه می‌بینند، احتمالاً بیشترین تأثیرگذاری بر پایان درگیری‌ها را هم باید در میانجیگری همین کشورهای همسایه جست‌وجو کرد

طرح بحران قره‌باغ میان آذربایجان و ارمنستان یکی از مسائل مشترک میان ایران و روسیه است



و تمایل ایستادگی در برابر یکجانبه‌گرایی‌های ایالات متحده را در خود نمی‌بینند، ایران دیگر به عنوان شریکی قابل اتکا، غرب را به حساب نمی‌آورد و استراتژی نگاه به شرق، سیاست همسایه محور و آسیا محور را جایگزین تعاملات جدی با اروپایی‌ها خواهد کرد.

در این میان روسیه به عنوان کشوری که هم در مناسبات رژیم دریای خزر با ایران در ارتباط است و هم در مذاکرات هسته‌ای به عنوان یکی از اطراف مذاکره حضور دارد، هم در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز صاحب نفوذ است و هم در دور زدن تحریم‌ها می‌تواند به ایران کمک نماید، در کنار چین، هند و سایر کشورهای همسایه از ظرفیت‌های ویژه‌ای برخوردار است. متن حاضر علی‌رغم اهمیت همه این موارد بر موضوع روابط دوجانبه ایران و روسیه در سطح منطقه آسیای مرکزی و قفقاز تمرکز دارد و به همین جهت معتقد است که در قالب سیاست آسیا محور ایران، یکی از مزیت‌های گسترش روابط دوجانبه تهران-مسکو در عرصه اقتصادی تجلی پیدا می‌کند. در این بخش یکی از مهم‌ترین مسائل، بحث پیوستن ایران به شاهراه‌های ترانزیت کالا در دو کریدور شمال- جنوب و کمربند و جاده است. در حقیقت از این طریق ایران می‌تواند در بخش کریدورهای ترانزیتی از طریق کریدور شمال - جنوب حلقه وصل جنوب و شمال اوراسیا به هم باشد و هند را به آسیای مرکزی و روسیه پیوند دهد، از سوی دیگر با پیوستن به ابتکار کمربند و جاده و اتصال آن به کریدور شمال- جنوب، به قطب ترانزیتی اقتصادهای روبه رشد جهانی تبدیل گردد.

موضوع مهم دیگر مباحث منطقه‌ای است که دو کشور ایران و روسیه روی آن اشتراک نظر دارند. در این زمینه فارغ از بحث همکاری‌های چندین و چند ساله ایران و روسیه در زمینه مبارزه با تروریسم در سوریه که مشارکت راهبردی تهران و مسکو توانست تمامیت ارضی آن کشور و ثبات و امنیت در منطقه شرق مدیترانه را حفظ کند، آنچه که امروز توانایی به چالش کشیدن این منطقه از آسیا را دارد موضوع خروج امریکا از افغانستان است. ایالات متحده به امید ایجاد سیاهچاله‌ای برای به راه انداختن ناآرامی در منطقه، ضمن مسدود کردن دسترسی دولت فعلی افغانستان به منابع مالی این کشور، مهاجرت گسترده، فقر و مشکلات امنیتی بسیاری را برای مردم این کشور سبب شده که تعامل همه بازیگران منطقه‌ای بویژه ایران و روسیه را برای مهار این بحران و حفظ ثبات و امنیت در افغانستان می‌طلبد. در این مورد دو کشور باید ضمن تبادل نظر به جهت رسیدن به راه حلی روشن، ترتیباتی را فراهم کنند که با ایجاد یک نظم منطقه‌ای افغانستان بتواند بسرعت از وضعیت بحران خارج شود. به این معنا به نظر می‌رسد که بخشی از گفت‌وگوهای رؤسای جمهور دو کشور به موضوع افغانستان و ایجاد ثبات در منطقه اختصاص خواهد داشت.

دیگر مسأله‌ای که در چهارچوب سفر آیت‌الله رئیسی به مسکو از اهمیت خاصی برخوردار است بحث بحران قره‌باغ و درگیری‌های میان دو همسایه ایران یعنی جمهوری آذربایجان و ارمنستان است که وسعت آن اختلافات دامنگیر ایران و روسیه هم شده. از آنجا که از هرگونه بی‌ثباتی در این بخش بیشترین صدمات را کشورهای منطقه می‌بینند، احتمالاً بیشترین تأثیرگذاری بر پایان درگیری‌ها را هم باید در میانجیگری همین کشورهای همسایه جست‌وجو کرد. بر همین مبنا ابتکار ایجاد اتحادیه ۳+۳ که یکی از موضوعات مطرح شده در جریان دیدار سرگئی لاوروف و حسین امیرعبداللهیان، وزیران خارجه روسیه و ایران بوده و شامل همکاری در زمینه‌های امنیتی، مبادلات اقتصادی و ترابری می‌شود، بیش از پیش مورد توجه مسئولان دو کشور قرار خواهد گرفت. در این میان به نظر می‌رسد که نقطه آغازین این امر در یک رویکرد کاملاً عملی می‌تواند تمرکز بازیگران منطقه بر توسعه شبکه‌های ریلی بین شش کشور عضو این اتحادیه باشد.

فارغ از مباحث مطرح شده، در یک نگاه کلی سفر رئیس جمهور ایران اسلامی به مسکو می‌تواند سرفصل‌های متعدد و بسیاری داشته باشد که با توجه به مزیت‌های آن برای دو کشور ارکان اصلی این دیدار احتمالاً گسترش روابط تجاری اقتصادی، تبادل نظر در مسائل منطقه‌ای، مبارزه با تروریسم و البته ائتلاف علیه غرب خواهد بود.



ویژه‌نامه سفر رئیس جمهور به روسیه □ دی‌ماه ۱۴۰۰